

## تحلیل خطبه‌های آخرین نماز جمعه شهید سید اسدالله مدنی با تأکید بر الگوی کنش گفتار جان سرل

مصطفی رستمی<sup>\*۱</sup>

علی زارعی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر تلاش دارد ضمن واکاوی و تحلیل کنش‌های گفتاری در دو خطبه آخر نماز جمعه شهید محراب سید اسدالله مدنی به این پرسش‌ها پاسخ دهد که بر مبنای الگوی کنش گفتار جان سرل، گونه‌های مختلف کنش‌های گفتاری در خطبه‌های نماز جمعه شهید مدنی کدام است؟ و از تحلیل فراوانی و بسامد این کنش‌ها چه نتایج حاصل می‌شود؟  
**روش‌شناسی پژوهش:** این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش کمی و کیفی بررسی و تحلیل شده است.

**یافته‌ها:** در بین کنش‌های گفتاری آخرین خطبه‌های شهید مدنی کنش اظهاری با ۷۲/۵۷ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. پس از آن کنش گفتارهای ترغیبی با ۱۷/۴۵ درصد در رتبه بعدی قرار دارد؛ البته در خطبه دوم دو برابر خطبه اول از کنش‌های ترغیبی استفاده شده است. کنش عاطفی و اعلامی نیز به ترتیب با ۸/۰۳ و ۱/۹۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این در حالی است که در خطبه‌های نماز جمعه ایشان هیچ‌گونه کنش تعهدی دیده نمی‌شود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که با توجه به فراوانی کنش اظهاری در بین کنش‌های گفتاری شهید مدنی، قصد و هدف ایشان در جای جای هر دو خطبه، شرح و گزارش اقدامات منافقین بوده است. همچنین به نظر می‌رسد شهید مدنی سعی داشته تا با کنش‌های غیرمستقیم ترغیبی، منافقان را از اقدامات تروریستی، قتل و کشتار مردم نهی کند. در ضمن با توجه به این که گفتارهای شهید مدنی بیشتر در جهت آگاهی‌سازی بوده تا دادن وعده و وعید، در نتیجه کنش تعهدی تقریباً هیچ جایگاهی در گفتاری‌های ایشان نداشته است.

**کلیدواژه‌ها:** نظریه کنش گفتاری، جان سرل، خطبه نماز جمعه، شهید سید اسدالله مدنی.

**Email:** Rostami@sharif.ir

۱- استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)

**Email:** Ali.zareei@chmail.ir

۲- دانش‌آموخته دکتری تاریخ، پژوهش‌شکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران؛ مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

## مقدمه

یکی از نظریات معناشناسی که بر پایه آن متون مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد نظریه «کنش گفتار» است. این نظریه زبانی، با تحلیل انواع مختلف کارهایی که می‌توانیم با کلمات انجام دهیم سر و کار دارد. پیش‌تر اغلب فیلسوفان تحلیلی گمان می‌کردند که کار اصلی زبان این است که واقعیتی را چه صادق و چه کاذب توصیف کند اما جان آستین<sup>۱</sup> تلقی یاد شده از زبان را انکار کرد و تصویر تازه‌ای از زبان ارائه داد. به اعتقاد آستین زمانی که شخصی جمله‌هایی نظیر «قول می‌دهم»، «معذرت می‌خواهم»، «شما را منسوب می‌کنم» و... را تحت موقعیتی خاص بیان می‌کند، چیزی را توصیف و یا از واقعیتی خبر نمی‌دهد بلکه در حال انجام کاری است و بایستی آن بیان را نوعی کنش به حساب آورد (سرل، ۲۰۰۱: ۲۲۴). در واقع «کنش گفتار جنبه مهمی از کاربرد شناسی زبان است که موضوع بحث آن معانی خاصی است که مشارکین گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت متن به اجزای تشکیل‌دهنده متن نسبت می‌دهند» (آقا گل زاده، ۱۹۹۶: ۲۳۵).

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های فراوانی به منظور تحلیل متون ادبی، دینی، سیاسی و... بر اساس نظریه کنش گفتار صورت گرفته که توانسته است لایه‌های عمیقی از معانی متون و قصد و نیت صاحبان اثر را آشکار سازد. بر همین اساس در این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی و با استفاده از آمارهای توصیفی تلاش داریم تا براساس نظریه کنش گفتار جان سرل به تحلیل دو خطبه پایانی شهید محراب آیت‌الله اسدالله مدنی امام جمعه تبریز بپردازیم؛ و به این پرسش پاسخ دهیم که گونه‌های مختلف کنش‌های گفتاری در خطبه‌های نماز جمعه شهید مدنی کدامند؟ و از تحلیل بسامد و فراوانی این کنش‌ها چه نتایجی حاصل می‌شود؟

انتخاب خطبه‌های آخرین نماز جمعه آیت‌الله مدنی جهت تحلیل کنش‌های گفتاری آن به این دلیل است این خطبه‌ها با فاصله اندکی قبل از شهادت ایشان ایراد شده است. در واقع با تحلیل خطبه‌های ایشان می‌توان پی برد که علت هدف قرار گرفتن ایشان در مراسم نماز جمعه به چه علت بوده است و سازمان مجاهدین از چه روی آیت‌الله مدنی را خطری برای خود محسوب و به ترور ایشان پرداخته است.

به لحاظ پیشینه پژوهش بایستی خاطر نشان کرد علی‌رغم توجه محققان حوزه زبان‌شناسی به کاربردی نظریه کنش گفتاری در تحلیل انواع متون در حوزه‌های مختلف، تاکنون پژوهشی در خصوص تحلیل خطبه‌های نماز جمعه از منظرهای جدید زبان‌شناسی و اشکال نوین کلامی و گفتمانی و با استفاده از نظریه کنش گفتاری صورت نگرفته است. البته پژوهش‌هایی در خصوص تحلیل خطبه‌های تاریخی با الگوی کنش گفتار صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به مقاله «تحلیل خطبه فدکیه بر اساس نظریه کنش گفتاری» از مهدی داودآبادی فراهانی اشاره کرد که به تحلیل متن خطبه فدکیه بر اساس نظریه کنش گفتاری پرداخته و به این نتیجه رسیده است که کنش‌های اعلامی و بیانی بیش از دیگر کنش‌ها در این

1. Austin

2. Searle

خطبه به چشم می‌خورد و با توجه به بافت پیرامونی ایراد این خطبه و زمینه‌های تاریخی آن، این فراوانی را می‌توان بدین معنا گرفت که حضرت فاطمه(س) پس از رحلت پیامبر(ص) درصدد احیای سنت وی و تبیین احکام و دستورات اسلام بوده است. همچنین مقاله «تحلیل متن‌شناسی خطبه‌ی شقشقیه بر اساس نظریه‌ی کنش‌گفتاری سرل» از علی نجفی ایوکی و همکاران، منتشر شده در شماره ۱۹ فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه بیان می‌دارد که کنش‌گفتاری اظهاری در این خطبه از بیشترین بسامد برخوردار است؛ چرا که امام علی(ع) به‌طور کلی در خطبه، به دنبال بیان کردن، شرح و گزارش دادن ماجرای تاریخی سقیفه می‌باشد و بر این امر اصرار دارد که حکومت حق ایشان بوده که غصب شده است؛ بنابراین کنش‌گفتاری اظهاری با هدف و مقصود گوینده‌ی سخن در خطبه متناسب و همگون است. علاوه بر این پژوهش‌های دیگری به شرح ذیل پیرامون خطبه‌های نهج‌البلاغه صورت گرفته است: «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» نوشته سیده مریم فضالی و محمد نگارش؛ «تحلیل خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه بر اساس نظریه کنش‌گفتاری سرل» نوشته حسن مقیاسی و راضیه‌گانه فراهانی؛ «بررسی کنش‌های گفتار در خطبه یکصد و یازدهم نهج‌البلاغه»، نوشته بهزاد قنسولی. با توجه به آن چه بیان شد سعی پژوهش حاضر بر آن است تا به تحلیل آخرین خطبه‌های نماز جمعه شهید آیت‌الله مدنی با استفاده از نظریه کنش‌گفتاری سرل بپردازد.

### چهارچوب نظری

#### کنش‌گفتاری (speech act)

نظریه کنش‌گفتاری از نظر قلمرو به حوزه فلسفه‌ی زبان تعلق دارد؛ فلسفه زبان شاخه‌ای از فلسفه است که جنبه‌های عام و کلی زبان را توصیف و تبیین می‌کند. این جنبه‌های عام و کلی مسائلی‌اند که اختصاص به زبان خاصی ندارند، بلکه نسبت به هر زبانی صادق‌اند. مسئله صدق، حکایت، معنا، ضرورت و مسائلی از این دست موضوع مطالعه فلسفه‌ی زبان هستند (سرل، ۲۰۰۶: ۲۰-۲۱).

جان آستین فیلسوف معاصر انگلیسی نخستین کسی بود که در کتابی با عنوان «چگونه کارها را با کلمات انجام دهیم» برای نخستین بار نظریه کنش‌گفتار را مطرح کرد. او نخستین فردی بود که به نقش‌های فعل و به تبع آن جمله در فرایند گفتمان اشاره کرد. به اعتقاد او فعل و جمله در بسیاری از موارد فقط اطلاعات را مبادله نمی‌کند، بلکه خود انجام یک فعل یا کنش هستند (لطفی‌پور، ۱۹۹۳: ۱۰). مثلاً اگر کسی بگوید «قول می‌دهم که شما را ببینم» قصد او از این جمله خبری توصیف وعده و یا حکایت از وعده نیست بلکه با همین جمله وعده می‌دهد و فعل وعده را تحقق می‌بخشد (سرل، ۲۰۰۶: ۲۹).

بر مبنای نظریه کنش‌گفتار اولاً جملات خبری تنها جملات اصلی و معنی‌دار زبان نیست و ثانیاً تبیین ارزش صدق و کذب همه جملات ممکن نیست؛ زیرا هدف گوینده از بیان جملات کنشی، توصیف خود عمل است نه توصیف یک وضعیت یا حالت. بر این اساس جملات به دو دسته خبری و کنشی (اجرایی) تقسیم می‌شوند آستین ویژگی‌های بیان‌های کنشی را به این صورت بیان می‌کند: «بیان‌های کنشی صدق

و کذب‌پذیر نیستند، بلکه متناسب یا نامتناسب هستند. در بین کنشی از افعال کنشی؛ مانند قول دادن، اعلام کردن، اخطار دادن و ... استفاده می‌شود و این افعال در صورتی که زمان حال ساده و با فاعل اول شخص به کار روند، بیان‌های کنشی هستند» (آستین، ۱۹۷۰: ۲۴۲-۲۶۰).

آستین بین پاره‌گفتار و جمله تفاوت قائل است. به اعتقاد او جمله بیرون از بافت و بدون توجه به تولید کننده آن مطرح می‌شود و به نوعی به سطحی انتزاعی از زبان تعلق دارد، اما پاره‌گفتار در زمان و مکانی خاص، توسط فردی خاص آدا می‌شود (ساسانی، ۲۰۱۰: ۳۶).

آستین در تقسیم‌بندی اولیه‌اش، پاره‌گفتار را به دو نوع اخباری و اجرایی تقسیم می‌کند. پاره‌گفتارهای اخباری گزاره‌هایی زبانی هستند که گوینده به‌واسطه آن به توصیف می‌پردازد و قابلیت صدق و کذب دارند؛ این در حالی است که پاره‌گفتار اجرایی از وقوع کاری سخن می‌گویند و قابلیت صدق و کذب ندارند. در واقع بیان موضوعی به منزله انجام کاری است و تنها به بیان آن منحصر نمی‌شود (آستین، ۱۹۶۲: ۶-۷). او در تقسیم‌بندی دیگری کنش‌های گفتاری را به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌کند. از نگاه او کنش گفتاری مستقیم، کنشی است که جمله در آن با ضمیر «من» آغاز می‌شود و پس از آن فعل مضارع می‌آید و جمله دربردارنده کنش یا عملی است؛ اما کنش گفتاری غیرمستقیم کنشی است که جمله به‌طور مستقیم حاوی عملی نباشد که به انجام کاری دلالت کند (طالبی و همکاران، ۲۰۱۷).

آستین برای پاره‌گفتارهای اجرایی سه نوع کنش معرفی می‌کند:

۱- کنش بیانی (اظهاری): اظهار عبارتهایی که معنا و مصداق دارند.

۲- کنش غیربیانی (منظوری): گوینده از اظهارات خود مقصود خاصی دارد.<sup>۱</sup>

۳- کنش پس بیانی (تأثیری): کلام معنادار در شنونده تأثیر خاصی می‌گذارد (پایا، ۲۰۰۴: ۴۴۰).

پس از آستین شاگردش جان سرل در سال ۱۹۶۹ نظریه کنش گفتاری را گسترش و تکمیل نمود. سرل تمایزی که آستین بین پاره‌گفتارهای کنشی و غیر کنشی قائل بود را نمی‌پذیرد و همه پاره‌گفتارها را پاره‌گفتارهای کنشی تعبیر می‌کند حتی آنهایی که حالت یا وضعیت امری را توصیف می‌کند. برای مثال پاره‌گفتار «هوا گرم است» را سرل به‌عنوان پاره‌گفتار اظهاری قلمداد می‌کند.

۱. آستین کنش منظوری را به پنج نوع تقسیم می‌کند: ۱- حکمی: این کنش بر التزام گوینده نسبت به حقیقت قضیه‌ای تأکید دارد. ۲- تحکمی: این کنش نشان‌دهنده اعمال اراده، قدرت، حق حاکمیت و نفوذ است و با افعالی مانند انتخاب کردن، توصیه کردن، دستور دادن، منصوب کردن، پند دادن و ... بیان می‌شود. ۳- تعهدی: کنش‌های تعدی بر تعهد گوینده به انجام عملی دلالت دارد. ۴- رفتاری: این کنش مبین انواع رفتارهای اجتماعی سخن‌گویان زبان است و افعالی مانند عذر خواستن، تشکر کردن، همدردی کردن، دشنام دادن، تحقیر کردن را شامل می‌شود. ۵- توضیحی: این کنش نشان‌دهنده چگونگی کاربرد واژگان در زبان است و توضیح می‌دهد که کلام چگونه در فرایند مکالمه سازمان می‌یابد. از جمله افعال این کنش عبارت‌اند از استدلال کردن، پاسخ دادن، فرض کردن، پذیرفتن و توضیح دادن (استرول، ۲۰۱۳: ۲۷۴).

### دسته‌بندی چندگانه نظریه کنش گفتار سرل

سرل کنش‌های گفتاری را به پنج دسته تقسیم می‌کند. کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش تعهدی، کنش عاطفی و کنش اعلامی که به شرح ذیل می‌باشند.<sup>۱</sup>

۱. کنش اظهاری (توصیفی): توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده باور خود را درباره درستی یا نادرستی مطلبی بیان می‌کند (صفوی، ۲۰۰۸: ۸۷).

۲. کنش ترغیبی: نشان‌دهنده خواست و تمایلات گوینده است و گاه صریح و گاه تلویحی رخ می‌دهد؛ در واقع گوینده می‌خواهد شنونده کاری انجام دهد؛ (سرل، ۱۹۷۹: ۱۵) مانند دستور دادن، خواستن چیزی یا تقاضا کردن چیزی.

۳. کنش تعهدی: این کنش گوینده را به انجام کاری متعهد می‌کند (سرل، ۱۹۷۹: ۱۵). هدف این کنش تطبیق دادن جهان با محتوای گزاره‌ای است که شامل عمل آتی گوینده می‌شود (احمد نحله، ۲۰۰۲: ۷۹).

۴. کنش عاطفی: شامل گفتاری می‌شود که احساس و حالت روانی گوینده نظیر؛ لذت، غم، شادی، تأسف و ... را منتقل می‌کند. در این نوع کنش احساس گوینده از طریق واژه‌های احساسی و عاطفی با بار مثبت یا منفی بیان می‌شوند (صفوی، ۲۰۰۸: ۱۷۸).

۵. کنش اعلامی: به کنشی گفته می‌شود که بیان آن به تغییر اوضاع دنیای خارج بیانجامد. برای انجام درست فرمان اعلام، افزون بر نیاز به بافت خاص، گوینده نیز باید دارای نقش نهادی اجتماعی خاصی باشد (یول، ۲۰۰۸: ۷۳-۷۶).

### بافت خطبه‌ها

همان‌طور که گفته شد در نظریه کنش گفتاری، تنها معنای ظاهری جملات مورد توجه نیست؛ بلکه شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی، سیاسی و ... که از آن به‌عنوان «بافت» یاد می‌شود نیز دارای اهمیت است و شامل ناگفته‌های یک متن می‌شود (یارمحمدی، ۲۰۰۶: ۳۵)؛ بنابراین از آن جا که بافت موقعیت در نظریه کنش گفتار از اهمیتی ویژه برخوردار است، برای ورود به بدنه اصلی پژوهش، نخست لازم است شخصیت شهید مدنی به‌عنوان ناطق کلام و سپس بافت موقعیت خطبه‌های ایشان تبیین گردد.

### شرح مختصری از زندگی و شخصیت آیت‌الله مدنی

سید اسدالله مدنی در سال ۱۲۹۳، در آذرشهر از توابع تبریز به دنیا آمد در چهار سالگی مادر و در ۱۶ سالگی پدر را که آقا میرعلی نام داشت از دست داد علوم مقدماتی دینی را نزد میرزا محمدحسن منطقی و میرزامحسن میرغفاری از علمای آذرشهر آموخته و برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شد. او در سال ۱۳۲۳ به نجف مهاجرت کرد و در دروس سید محسن حکیم و سید عبدالهادی شیرازی و سپس امام خمینی (ره) که در آن زمان در نجف حضور داشت، حاضر شد و نهایتاً از آیت‌الله ابوالقاسم خویی اجازه اجتهاد

1. Representative Act, Directive Act, Commissive Act, Expressive Act, Declarative Act.

دریافت کرد (پاسدار اسلام، ۲۰۰۳: شماره ۲۶۱؛ آرشیو مرکز اسناد، زندگی آیت‌الله مدنی، کد ۳۳۱۴). ایشان می‌گوید: «وقتی در نجف بودم، عده‌ای از من خواستند رساله (توضیح‌المسائل) را بنویسم که من مخالفت کردم، برای این که مراجعی چون حضرت امام خمینی(ره) وجود داشت که باید همه از ایشان تقلید می‌کردیم» (پاسدار اسلام، ۲۰۰۳: شماره ۲۶۱).

مبارزات سیاسی آیت‌الله مدنی به دوران پیش از شکل‌گیری انقلاب اسلامی باز می‌گردد. ایشان پس از چندین سال دوری از وطن، در ۱۳۳۱ از نجف اشرف به زادگاه خود بازگشت. او که از جوانی همت خود را در راه مبارزه با ستم و فساد قرار داده بود در نخستین برخورد آشکار با رژیم طاغوتی، مردم را به مقابله با تولید و فروش محصولات کارخانه مشروبات الکلی آذرشهر تشویق کرد و خواستار برچیده شدن فوری این کارخانه شد. وی در سخنرانی، با تهدید مزدوران رژیم پهلوی گفت که پانزده روز مهلت دارند تا کارخانه را از آذرشهر ببرند. در غیر این صورت، مردم بساط آن را بخواهند چید و هر فردی که در این راه کشته شود، شهید است.

پس از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ و تبعید امام خمینی(ره) به عراق، شهید مدنی، از اشخاصی بود که در سخت‌ترین روزها در کنار ایشان بود. او در نجف و همچنین در روزهایی که برای تبلیغ به ایران سفر می‌کرد از امام سخن می‌گفت و رسالت و وظایف مؤمنان را در برابر رژیم گوشزد می‌کرد. از این‌رو، بارها تحت تعقیب قرار گرفت. از سال ۱۳۴۱ که اخبار مربوط به شروع نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی(ره) به نجف رسیده بود، شهید مدنی، حرکت گسترده‌ای را در حمایت و پشتیبانی امام در نجف ترتیب داد. از جمله این حرکت‌ها، تعطیل کردن کلاس‌های درس، برپایی سخنرانی و جلسه‌های متعدد در مساجد و برپایی راهپیمایی بزرگ مردمی به طرفداری از مبارزات امام خمینی(ره) بود. این کارها در انتشار خبر نهضت اسلامی در ایران و مطرح ساختن آن در اذهان مردم جهان بسیار مؤثر واقع شد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰۲۰/۹/۱۰).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهید مدنی به دعوت مردم همدان به این شهر رفت و مردم آن دیار، او را به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب کردند. ایشان در تدوین قانون اساسی در کنار بزرگانی چون آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله صدوقی و دیگر بزرگان بسیار کوشید (مجله گلبرگ، ۲۰۰۷/۹/۱۱). شهید مدنی پس از شهادت نخستین امام جمعه تبریز، آیت‌الله قاضی طباطبایی در دهم آبان ۱۳۵۸ با حکم امام به‌عنوان امام جمعه تبریز منصوب شد (امام خمینی، ۲۰۰۰: ۲۸۰/۱۰-۲۸۱). امامت جمعه وی با مخالفت اعضای حزب جمهوری‌خواه خلق مسلمان رو به رو شد و چند مرتبه جایگاه نماز جمعه را به آتش کشیدند. با شروع جنگ تحمیلی، آیت‌الله مدنی با روشنگری سربازان، در تقویت روحیه رزمندگان اسلام نقش به‌سزایی داشت. ایشان با پوشیدن لباس رزم و شرکت در جبهه‌های نبرد، حضور در کنار سپاهیان اسلام و شرکت در مجالس دعا و نیایش آنان، مشوق بزرگی برای رزمندگان به شمار می‌آمد (مجله گلبرگ، ۲۰۰۷/۹/۱۱).

سید اسدالله مدنی نهایتاً در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ پس از اتمام مراسم نماز جمعه توسط سازمان مجاهدین خلق به شهادت رسید (حائری، ۲۰۰۷: ۴۲۴) و در بیست و یکم شهریور ماه پیکر او در تبریز و قم

تشییع و در حرم حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد. امام خمینی در پیامی وی را شخصیتی دانست که عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند و غیر از خدمت به اسلام و مسلمانان به چیز دیگری نمی‌اندیشید (امام خمینی، ۲۰۰۰: ۲۲۵/۱۵-۲۲۷).

### ترسم فضای حاکم بر تابستان ۱۳۶۰

خطبه‌های آخرین نماز جمعه آیت‌الله مدنی در ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ در فضایی ایراد می‌شود که گروهک مجاهدین خلق از ابتدای تابستان این سال به مقابله مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی ایران برخاسته و اقدام به ترور شخصیت‌های برجسته انقلاب و همچنین ترور کور مردم کوچه و بازار کرد.

در خصوص پیشینه سازمان مجاهدین خلق بایستی خاطر نشان کرد این سازمان در سال ۱۳۴۴ توسط سه تن از دانشجویان مهندسی دانشگاه تهران به نام‌های حنیف نژاد، سعید محسن و بدیع زادگان با تفکرات التقاطی تشکیل شد (منصوری، ۲۰۱۱: ۱۸۹). این سازمان تحت تأثیر سرکوب قیام مردمی ۱۵ خرداد و شکست مبارزات مسالمت‌آمیز، در جریان تدوین راهبرد، به مبارزه مسلحانه رسید و به تدریج با بهره‌گیری از تئوری‌ها و تجارب جریان‌های چپ و مارکسیست آمریکای لاتین، شیوه جنگ چریکی شهری را در تاکتیک اتخاذ کرد. در سال ۱۳۵۰ و در پی اقداماتی که سازمان در جهت برهم زدن جشن‌های ۲۵۰۰ ساله انجام داد تعداد زیادی از عناصر مجاهدین از جمله کادر رهبری دستگیر و اعدام شدند (آبراهامیان، ۲۰۲۰: ۴۰۶). در مهرماه سال ۱۳۵۴ سازمان با انتشار بیانیه‌ای ضمن کنار گذاشتن اسلام، ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم را به طور رسمی اعلام کردند و نوشتند: «ما هرچه پوستان هزار و چهارصد ساله اسلام را با توجیها علمیه وصله می‌نمودیم بخش دیگری از آن دچار پارگی می‌شد» (روحانی، ۱۹۹۳: ۴۹۹/۳). در این میان گروهی از کادر رهبری سازمان از جمله مجید شریف واقفی و مرتضی صمدیه لیاف که در برابر این جریان ایستادگی کردند. در ۱۷ شهریور ۱۳۵۴ توسط تقی شهرام و بهرام آرام و تعدادی از همفکرانشان ربوده شدند. شریف واقفی به طرز وحشتناکی به قتل رسید (حائری، ۲۰۰۷: ۱۲۰) و صمدیه در حالی که زخمی شده بود گریخت اما به زودی در همان سال دستگیر و اعدام شد (رضوی، ۲۰۱۸: ۷۹؛ نظریور، ۲۰۰۳: ۱۱). تحولات سال ۵۴ و موفقیت ساواک در دستگیری اعضاء و کادر رهبری سازمان مجاهدین عملاً سازمان مجاهدین را متلاشی کرد، به طوری که از اواسط سال ۵۵ دیگر عملاً سازمانی وجود نداشت، آن چه مانده بود عبارت بود از برخی از اعضاء و هواداران سازمان که تا آذر و دی ماه سال ۵۷ در زندان به سر می‌بردند.

با پیروزی انقلاب اسلامی کادر زندانی سازمان سعی کردند تا مجدداً سازمان خود را احیا کنند. گروهی از اعضاء سازمان که در زندان از تغییر ایدئولوژی مارکسیستی حمایت کردند از عنوان مجاهدین دست کشیدند و «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» را تشکیل دادند؛ اما گروه دیگر به رهبری مسعود رجوی کوشیدند با حفظ مواضع ایدئولوژیک سابق، خود را پایبند به آرمان‌ها و مرام بنیان‌گذاران سازمان نشان دهند و به بازسازی سازمان اقدام کردند (منصوری، ۲۰۱۱: ۱۹۱). مواضع چپ‌گرایانه و رادیکال این گروه التقاطی اسلام - سوسیال باعث شد تا جوانان و نوجوانانی که در تب و تاب سال‌های انقلاب قرار داشتند جذب

سازمان مجاهدین شوند و سازمان در میان این قشر از جامعه هواداران بسیاری بیابد. رهبران سازمان بعدها به اتکای همین هواداران روزافزون و سابقه کار تشکیلاتی و انسجام سازمانی و ایدئولوژیک، خود را محق‌ترین و تواناترین گروه برای کسب قدرت سیاسی دانستند. این تصور باعث شد تا مجاهدین از همان آغاز تشکیل حاکمیت جدید، خود را بدیل (آلترناتیو) انقلابی برای گروه حاکم جدید به‌ویژه روحانیون و بنیادگرایان اسلامی ببینند.

سازمان در همان حال و در راستای طرح خود به‌عنوان یک سازمان پیشرو که می‌بایست رهبری انقلاب را در دست داشته باشند، به تخریب نیروهای سیاسی رقیب پرداختند. از یک سو دولت موقت را متهم به بی‌کفایتی، طرفداری از لیبرالیسم، عدم اقدامات انقلابی و عدم مقابله با امریکا می‌کردند و از سوی دیگر، شورای انقلاب را به دلیل وابستگی به حزب جمهوری اسلامی مورد انتقاد قرار می‌داد و آنها را انحصار طلب و مرتجع می‌نامید و شدیدترین حملات را متوجه دکتر بهشتی، دبیر کل حزب می‌کردند. طی ماه‌های بعد از انقلاب به تدریج این تضادها و درگیری‌های تبلیغاتی بین حزب و سازمان مجاهدین افزایش یافت. روزنامه سازمان به نام مجاهد، حزب را متهم به برهم زدن تظاهرات و درگیری با نیروهای آن گروه و حمله به مراکز سازمان می‌کردند و در مقابل روزنامه حزب جمهوری اسلامی نیز سازمان را متهم به زیر سؤال بردن رهبری امام، حمایت از ناآرامی‌های قومی، طرفداری و حمایت از گروه‌های چپ معارض نظام، تخریب نهادهای انقلابی و... می‌کرد.

سازمان مجاهدین در همان حال در راستای استراتژی دو پهلو خود در ارتباط با نحوه همکاری با حاکمیت جدید سعی کرد از امکانات سیاسی موجود نیز حداکثر استفاده را بکند؛ لذا با شرکت در انتخابات مختلف سعی در دریافت مناصب نظام داشت. این در حالی بود که سازمان رفراندم قانون اساسی را تحریم کرد و به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رأی نداد. از همین رو حضرت امام خمینی (ره) با حضور رجوی در انتخابات ریاست جمهوری مخالفت نمودند و کسی را که به قانون اساسی نظام رأی نداده است را لایق دریافت منصب ریاست جمهوری ندانستند.

بعدها اقداماتی موجب گسترش تضادهای بین سازمان و حاکمیت شد که از یک سو، ناشی از تشدید فعالیت سازمان در مراکز دانشگاهی، کارگری و خیابان‌ها، برپایی میتینگ و سخنرانی‌های مختلف و درگیری با نیروهای طرفدار نظام بود و از سوی دیگر، متأثر از عواملی همچون دستگیری برخی اعضای مجاهدین از جمله سعادت‌ی به جرم جاسوسی و ارتباط با شوروی بود (فوزی، ۲۰۰۵: ۱۲۰/۱-۱۱۰).

سازمان بعدها برای آن که رقیب اصلی خود یعنی حزب جمهوری را از میدان به در کند با بنی‌صدر ائتلاف کرد و به این منظور نیروهای خود را برای حمایت از بنی‌صدر بسیج کرد. اوج این حمایت‌ها در مراسم ۱۴ اسفند ۵۸ و در مراسم سالگرد دکتر مصدق در دانشگاه تهران بود که نیروهای شبه نظامی سازمان اقدام به برخورد با مخالفان بنی‌صدر کردند و برای تقابل با حزب جمهوری شعار مرگ بر بهشتی و مرگ بر چماق به دستان سر دادند.



نهایتاً در تابستان ۱۳۶۰ پس از عزل بنی‌صدر زمانی که موقعیت سازمان به خطر افتاد روی به مبارزه مسلحانه و فعالیت‌های تروریستی آوردند. به طوری که در ششم تیرماه به جان آیت‌الله خامنه‌ای، از اعضای شورای انقلاب و امام جمعه تهران سوء قصد کردند، در هفتم تیر ۱۳۶۰ دست به انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی زدند که منجر به شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یارانش شد. به شهادت رسانیدن رئیس جمهور محبوب مردم، رجایی و نخست وزیر او باهنر و نیز ترور امام جمعه‌های تبریز، کرمانشاه، شیراز و یزد از دیگر فعالیت‌های تروریستی آنها بود. هم‌زمان عده‌ای از مردم کوچه و بازار را نیز در عملیات تروریستی به شهادت رسانیدند. سرانجام بنی‌صدر و رجوی با توطئه‌ای طراحی شده و پذیرش خفتی آشکار به فرانسه پناهنده شدند (مصباح یزدی، ۲۰۱۲: ۱۹۳).

### تحلیل خطبه‌های شهید مدنی

در ذیل ابتدا به خوانش متن آخرین خطبه‌های نماز جمعه شهید مدنی می‌پردازیم و در ادامه کنش گفتارهای آن را تحلیل می‌کنیم.

#### خطبه اول

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران!

شما را و خودم را سفارش می‌کنم به تقوای خدا که راه نجاتی به غیر خدا نداریم. مطالبی را از خطبه هفته گذشته در خصوص خطبه متقین آقا امیرالمؤمنین (ع) یادآوری می‌کنم که فرمود:

«منطقهم الصواب» مسلمان و اهل تقوا باید گفتارش صحیح باشد. درست توجه کنید.

عزیزان!

روز جمعه روزی است که ان شاء الله الرحمن دردهایمان را دوا کند. درد اول، درد خود انسان است. آیه قرآن است: «ما یلفظ من قول الالدیه رقیب». یک کلمه از زبان انسان درآید، نوشته خواهد شد، فردا باید حسابش را بدهیم. دو صحیفه بیشتر نیست در یکی گناهان و در دیگری کارهای ثواب نوشته می‌شود. هر حرفی که می‌زنی، اگر به مصلحت اسلام است، به مصلحت انقلاب است، نصیحت بر مسلمانان است، اقللاً اگر برای کسب حلال است، مانعی ندارد، اما این را بدان اگر حرفی که می‌زنی به خاطر این‌ها نباشد، در صحیفه کارهای ثواب نوشته نمی‌شود، اما صحیفه گناه در آن جا حاضر است؛ پس اول برای مسلمان لازم است که حرفش را حساب بکند.

برادران! خواهران!

به مطالب زنده و زنده کننده‌ای که از اهل بیت عصمت (س) وارد شده، دقت کنید. ما اعتقاد داریم در قیامت باید حاضر باشیم. آن جا یک لیوان خون روی کسی می‌باشند و می‌گویند: این سهم توست که خون فلان کس را به ناحق ریختی. می‌گوید: خدایا! من که در قتل شرکت نکردم، من که آدم نکشتم. می‌گویند

تو یک کلمه حرف زدی، آن حرف بزرگ شد و به جای دیگر رسید، شاخ و برگ پیدا کرد، نتیجه‌اش این شد که به اندازه این حرف در خون یک مسلمان شرکت کنی. چطور می‌تواند باشد که یک انسان با حرفش در خون شرکت بکند. آن بدبخت فراری که با یک کلمه دعوت به استقامت کرد و دیوانه‌ها را دیوانه‌تر کرد، چقدر ناجوانمردانه جنایت‌ها کردند. آن بیچاره پیرزن که از مقابل مجلس رد می‌شد چه گناهی داشت؟ تو هم یک وقت پشت سر کسی حرف می‌زنی بزرگ می‌شود، دعوا می‌شود، خدای نکرده یک وقت می‌بینی که خون‌ها ریخته شد.

روی همین اصل می‌گویند چیزی که عمده انسان را به جهنم می‌برد، زبانش هست. منطبقهم الصواب. پس مواظب هستند گفتارشان گفتار خوب باشد، چنانچه با یک کلام حیات داده می‌شود به یک مجتمع. هفته گذشته اشاره شد دیگر توضیح نمی‌دهم.

انسان مسلمان متواضع می‌شود، متکبر نمی‌شود. ضرر منیت چیست؟ تواضع نقشش چیست؟ این را بدانید که رسول اکرم (ص) تواضع و اخلاق حسنه‌اش سبب شد که اسلام عالم‌گیر شود. خدا لعنت کند به آنها که جلوی پیشرفت اسلام سنگ انداختند. اگر با آن کیفیت که رسول اکرم (ص) بنیانگذاری و امیرالمؤمنین (ع) تعقیب کرد، پیش می‌رفت. اگر منافقین داخلی، ستون پنجم دشمن فعالیت نداشت، اخلاق این‌ها دنیا را جلب می‌کرد، چنان که می‌بینیم کرده است. ائمه اطهار (ع) که در زمان آنها حکومت در دست بیگانگان بود، مثل یک انسان عادی، به هیچ نحو قدرت فعالیت نداشتند. حتی سؤال کردن از این‌ها هم محدود بود، ولی با این همه می‌بینیم که چقدر از ملل مختلفه به جهت اخلاق ایشان مسلمان شده‌اند، اما تکبر ابوجهل و امثال آنها، خودشان و ملت‌هایشان را خاکسترنشین کرد. به آیه درست توجه کنید. مقابل تواضع مسلمانان و متقی‌ها که به قول امیرالمؤمنین (ع) تواضع را اخذ کرده‌اند، تکبر مقابل آن است. به آیه توجه فرمایید:

«ووجدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلما و علوا فانظر كيف كان عاقبة المفسدين، (و با آن که دل‌هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند. پس ببین فرجام فسادگران چگونه بود». الله اکبر، الله اکبر قرآن تمام آیاتش اعجاز است و این از آیات عجیب است. این‌ها یک گروه بوده‌اند که آیات الهی را انکار کردند، نبوت رسول اکرم (ص) را انکار کردند، نبوت انبیاء (ع) را در زمان خودشان انکار کردند؛ و استغلتها انفسهم، زیر بار نرفتند، اما در نفس‌هایشان یقین داشتند. بدانید ابوجهل، پیامبر اکرم (ص) را از شما و ما بهتر می‌شناخت. چنانچه می‌دانید بنی‌صدر امام را از شما و از ما بهتر می‌شناخت، و وجدوا بها، انکار کردند آیات الهی را در حالی که یقین داشتند.

اگر انسان به این حد برسد، حتی انسانیت خودش را زیر پایش می‌گذارد. بعد از یقین به آیات الهی باز هم انکار کند. منشأ این چیست؟ منشأ آن ظلما و علوا همان خودبینی است. گفتیم ابوجهل رسول اکرم (ص) را از تو و من بهتر می‌شناخت. بنی‌صدر، رهبر انقلاب را از من و تو بهتر می‌شناخت. آیا زیر بار نرفتن این‌ها غیر از منیت و علوطلبی چیز دیگری بود؟ این نتیجه علوطلبی و خودبینی و تکبر و زیاده‌جستن است که انسان حقیقتاً انسانیتش را زیر پایش می‌گذارد، اما نتیجه‌اش چه می‌شود؟ فانظر كيف كان عاقبة المفسدين. نگاه کن ببین این‌ها عاقبت کارهایشان به کجا رسید؟

برادران و خواهران! کمی زیادت‌تر توجه می‌فرمایند. کانه خدا برای خودش واجب نموده هر کسی هر معصیتی کرد، علاوه بر عذاب آخرت، در دنیا به بالای نظیر آن معصیت مبتلا سازد. مثلاً یک نگاه بکنید، دقت بکنید کسی که عمداً روزه‌اش را بخورد، مبتلا می‌شود و موقع مردن از گرسنگی می‌میرد، به قدری گرسنه شود و چیزی هم نتواند بخورد و نعوذ بالله با عداوت خدا از دنیا برود. به این محل شاهد توجه فرمایید! یک آدمی که از روی منیت من بگوید و زیر بار حق نرود، نتیجه‌اش این است که به ذلالت مبتلا می‌شود. در همین دنیا هم نگاه کنید، محمدرضای معدوم منفور از جهت منیت چگونه بود. او هم کاملاً رهبر کبیر انقلاب را می‌شناخت. حتی یک وقتی در مجلس اقرار کرده بود که مرجع باید خمینی باشد. او از جهت منیت به نصیحتش گوش نداد و نتیجه‌اش این شد که فرار کند و پناهنده شود به سادات که نوکر حلقه به گوش آمریکا و اسرائیل است و در آخر زیر پای فرعون به خاک سپرده شود. ذلت بالاتر از این چه می‌شود؟ ابوجهل که حاضر نبود به سلام ابن مسعود جواب دهد، کارش به جایی رسید که وقتی ابن مسعود می‌خواهد او را به جهنم بفرستد، می‌گوید سر مرا کمی از سینه‌ام ببر تا سرم در میان سرها کمی بلندتر دیده شود. مسلمان‌ها! بدانید بنی‌صدرها، کارترها از ابوجهل بدتر هستند. آن وقت ابن مسعود چه کار می‌کند؟ کاری می‌کند که کمی از سرش هم روی گردنش باشد و در میان سرها یک کمی کوتاه‌تر باشد.

آگاه باشید گول این بیگانه‌پرستان را نخورید. همین شخص (بنی‌صدر - رجوی) نبود که به شما می‌گفت دشمن خون‌خوار غرب است و شما را مقابل سرمایه‌داری غربی به مبارزه دعوت می‌کرد؟ والله، ای جوانان! شما عزیزان ما هستید و ما خیر شما را می‌خواهیم. چطور شد آن رجوی که این همه سنگ مبارزه با غرب را به سینه‌اش می‌زد، رفت و به میتران صهیونیست پناهنده شد؟ اول این که نتیجه منیت بدبختی است، دوم این که متوجه می‌شوید که این‌ها خیانتکار بودند، نیرنگ‌باز بودند. تمام حرف‌هایشان برای خودشان بود، والا اگر روی عقیده بود، حاضر می‌شد به خاطر عقیده‌اش بمیرد، دیگر چرا به دشمنش پناهنده شود؟

بالاخره خودبینی نتیجه‌اش این‌هاست و امیدوارم ان‌شاءالله خداوند تبارک و تعالی تک تک ما را فقط به این یک کلمه که می‌خواهم تذکر بدهم، موفق دارد. همه من‌ها کفر است. نگاه کنید در مقابلش اخلاق اسلامی است. اخلاق اسلامی این است. دو نفر را بگویم و خاتمه بدهم. رهبر عظیم‌الشان انقلاب عظمت اسلام را حفظ می‌کنند. ایشان در میان مسلمانان متواضع است، اما نماینده آمریکا را قبول نمی‌کنند و قبلاً می‌فرمایند که اصلاً به ایران وارد نشود، اما در عین حال می‌فرمایند: «اگر به من خدمتگزار بگوئید بهتر از آن است که رهبر بگوئید» و می‌فرمایند: «رهبر من آن نوجوان ۱۳ ساله‌ای است که نارنجک به کمر می‌بندد». در اطلاعیه شهدای ۱۷ شهریور هم در مقدمه‌اش نوشتند: «کاش خمینی میان شما کشته می‌شد». اما تربیت شده امام، مرحوم رجائی، خدا درجانش را عالی بکند، به سازمان ملل در قلب آمریکا رفت. آن روز کارتر رئیس‌جمهور بود. او حاضر نشد با کارتر ملاقات کند، اما در مسجد کوچکی که مال سیاه‌پوستان بود، در صف آنها به نماز ایستاد. نتیجه اخلاق اسلامی این‌ها هستند. آن وقت آن چیزی که ما ثمر می‌بریم چیست؟

نگاه کنیم ببینیم که رهبر انقلاب و مرحوم رجائی و مرحوم بهشتی - رضوان الله علیهم - و مرحوم باهنر در تابع بودن به امام و تواضع به چه مقامی رسیدند و آنها (بنی صدر و رجوی) در خودنمائی در مقابل امام به چه بیچارگی‌هایی مبتلا شدند. مسلمان باید از افعال دیگران عبرت بگیرد.

### خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام

عزیزان!

چند تن از پاسدارانمان در تبریز به دست دزدان و جنایتکاران به شهادت رسیدند. در این جا می‌خواهیم که اطلاعات سپاه و اطلاعات شهربانی کمی آگاهانه‌تر رفتار نمایند. مسئولین شهربانی! مسئولین آگاهی! ببینید. والله العظیم آنچه می‌خورید، حرام می‌خورید. چرا این همه سکوت؟ چرا در ایام پهلوی ملعون، اگر یک امر جزئی اتفاق می‌افتاد، شما شب و روز نداشتید. خجالت بکشید، والا ما مجبوریم هفته آینده مطالب را با مردم در میان بگذاریم.

مطلب دیگر سالگرد مرحوم آیت‌الله طالقانی است که با یاد آن بزرگوار قلب‌ها جریحه‌دار می‌شوند. مردی که اقلاً ۴۰ سال از عمر خودش را در مبارزه با استعمار گذراند که فقط یک دفعه‌اش به ۱۰ سال زندان محکوم شد. جرم‌هایش چه بود؟ از جمله جرم‌هایی که دستگاه طاغوت برای او می‌شمرد این بود که چرا مرحوم نواب صفوی در خانه تو بوده است؟ مرحوم نواب صفوی - رضوان الله علیه - خاری بود در چشم محمد رضای خائن و بلکه در چشم انگلیس. به هر حال یک چنین مرد با عظمتی بود که تا آخرین لحظه عمرش با استعمار مخالفت کرد. گاهی که صحبت می‌کردیم، دردش را می‌دیدیم. این تفرقه به قدری ایشان را رنج می‌داد که گاهی وقتی صحبت از تفرقه میان مسلمانان می‌شد، گوی ایشان فشرده می‌شد. عقیده من بر این است که اگر کسی بگوید ایشان غصه مرگ شدند، مبالغه نکرده است.

به هر حال ما در سالگرد این بزرگوار باید متوجه باشیم از چه جهت ایشان را تجلیل می‌کنیم. از جهت مبارزه ایشان با استعمارگران غرب و شرق. ایشان می‌فرمود: «اسلام نباید وابسته باشد، مسلمان نباید وابسته باشد، برای این که تکیه مسلمان بر قدرتی است فوق تمام قدرتها و آن عبارت است از قدرت الله». باز هم اینجا جا دارد که نصیحت‌کنم به آن‌هایی که خودشان را وابسته (به مرحوم طالقانی) می‌بینند، ولی می‌دانند که وابسته نیستند. اینقدر پدر طالقانی نگویند و روح آن بزرگوار را بیش از این اذیت نکنند. آخر شما که می‌گویید پدر طالقانی، آن بدبختی را که پناهنده به غرب شده (رجوی را می‌گویم) به رهبری قبول می‌کنید، در صورتی که مرحوم طالقانی دشمن خونی فرانسه و استعمارگران بود، فرانسه‌ای که حتی اکنون نیز دست‌هایش به خون نزدیک به ۲ میلیون مسلمان الجزایری آغشته است. الله اکبر! ای جوان آگاه باش که نزدیک به ۲ میلیون الجزایری به جرم اسلام و طلب استقلال توسط جلادان فرانسه به شهادت رسیدند و آن بدبخت به چنین جلادانی پناهنده می‌شود.

«آن لم یکن لکم دین فکونا احرارا فی دنیاکم»: اگر دین ندارید، اقلأً آزاده باشید. آخر یک بدبختی را که به چنین جلادانی پناهنده می‌شود به رهبری قبول کردن و الله ننگ است چرا به آغوش اسلام باز نمی‌گردید؟ آغوش پر مهر و محبت اسلام که خطاب می‌کند «یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمۃ الله»: ای آن بندگان الله که اسراف و معصیت کرده‌اید، مایوس نشوید و بازگردید به طرف قرآن. چرا آغوش قرآن و پیامبر(ص) را می‌گذارید و به چنین منافقی پناهنده می‌شوید؟

اما مطلب دیگری که باز هم ای مردم اگر واقعاً به آن مرحوم علاقه‌مندید، به خصوص آنها این سخن را بشنوند و بعد از این اگر انسان باشند یا به آغوش اسلام باز می‌گردند و یا اسم مرحوم طالقانی را به زبان نمی‌آورند. ایشان [آیت‌الله طالقانی] با عمل خویش گفت که ای شهیدای هفده شهریور راهتان ادامه دارد تبریز با شهامت بود. تبریز بود که چهلم آنها را گرامی داشت و شهید داد و از شهید دادن مضایقه نکرد، تا این که جاهای دیگر هم صدا شدند و در نتیجه دودمان پهلوی را به زباله‌دان تاریخ سپردند. این جمعیت‌ها که توپ و تانک دودمان پهلوی را از دستش گرفتند و خودشان را هم به جهنم فرستادند و به بعضی هم دنیا را جهنم کردند، از چند تا ترقه شما نمی‌ترسند.

آیت‌الله طالقانی در سخنرانی روز دوم شهادت مرحوم مطهری در این باره که او کیست، فرمود: «اگر اختلاف عقیده هست، راه حل آن ترور نیست. ترور وحشت می‌آورد. ترور کار انسان نیست. در نتیجه ترور استعمار مسلط می‌شود، این‌ها می‌گویند مخالف استعمار هستند. شما که به دروغ می‌گویید دشمن ما آمریکاست، پس چرا با سلاح آمریکائی برادران مسلمان خودتان را می‌کشید؟».

بنابراین روح مقدس آن مرحوم را این قدر ناراحت نکنید. این را بدانید مردم مسلمان و غیور ایران که در روز ۱۷ شهریور هزاران شهید دادند و با دست خالی و فقط با الله اکبر مقابل تانک‌ها رفتند، هیچ‌گاه در مقابل پنج نفر دزد خضوع نخواهند کرد. این آخرین جمله است که به شما می‌گویم. ببینید مردم منتظر هستند، چون امام فرموده‌اند مقامات اقدام نمایند، ساکتند در این تبریز مسلمان‌ها مکرر می‌آیند و به ما می‌گویند که اجازه بدهید تا همه این‌ها را درب و داغون کنیم. اگر به اهل تبریز اجازه داده شود، در یک روز در هر سوراخ موشی که خزیده باشید جوانان با غیرت تبریز شما را به جهنم می‌فرستند.

البته از جانب شما هم لازم می‌بینم تشکر کنم از ژاندارمری و لکن به‌عنوان الحمدالله علی غنایا یعنی از این عمل ژاندارمری تشکر کنم، ولی به این تنها قانع نیستیم. در هفته پیش فهمیدید که یک اتوبوسی را که می‌خواستند در گردنه شبلی تبریز تاراج نمایند، پلیس راه رسید و مانع شد. دزدان فرار کردند، ولی چون ۲ نفر پاسدار را شهید کرده بودند، به همت ژاندارمری و همکاری کمیته انقلاب اسلامی، دزدان که ۵ نفر بودند، دستگیر شدند، چون سلاح‌های آنها همان سلاح‌هایی بود که برادران ما را شهید کرده بودند. در نتیجه روی قانون جرمشان ثابت است و تحویل دادگاه انقلاب شده‌اند و امیدوارم ان‌شاءالله دادگاه انقلاب هم خیلی زود دوستان آنها را شناسائی کند و خود آنها را هم به جزا و به جهنم بفرستند. امیدوارم که ان‌شاءالله اداره آگاهی هم نسبت به جنایاتی که در شهر اتفاق می‌افتند، اقدام بنماید و نگذارد که ما گله‌هایمان را به مردم بکنیم.

مطلب دیگر می‌گویند بعضی از ادارات به قدری به اسلام خضوع نکرده‌اند که حتی نماز ظهر را حاضر نیستند. به آنها برسانید که باید به وظایف اسلامی خود عمل نمایند و با این همه تشریفات، مردم را معطل نمایند و ما را مجبور نکنند که دست به اقدام جهاد بزنییم. افتخار ادارات به این است که به خلق خدمت کنند. آنها از بیت‌المال مسلمین می‌خورند، پس باید به مسلمان‌ها خدمت کنند. این قدر تشریفات نکنند و مردم را معطل نکنند و نگذارند که ما اسم بعضی از ادارات را ببریم و جرم‌هایشان را بشماریم تا خلق با همان چشمی که در زمان پهلوی به آنها نگاه می‌کردند، با همان چشم نگاه کنند.

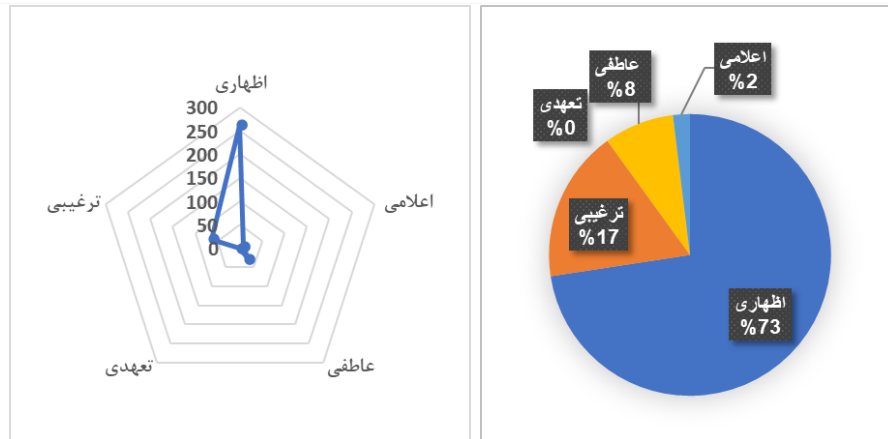
انجمن‌های اسلامی ادارات نیز موظفند این‌ها را به اخلاق دعوت کنند تا هر روز در نماز جماعت حاضر شوند. اگر برای نماز جماعت بهانه بیاورند و شرکت نکنند، رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «آنهایی که با مسلمان‌ها نماز نمی‌خوانند حق ندارند با مسلمان‌ها هم خوراک و هم مجلس شوند؛ نتیجتاً ای کارمند اداری! این را بدان که مسلمان وقتی موظف شد با تو هم خوراک نشود در نتیجه ما هیچ وقت نمی‌گذاریم تو در اداره اسلامی مانده و از آن اداره حقوق بگیری. این را هم بدانند که هیچ کس حق ندارد از وسایل نقلیه ادارات استفاده کند و این ابلاغ است و اگر بعد از این یک اداری دیده شود که از وسیله اداره استفاده شخصی می‌کند، فوراً دستگیر شده و در هر مقام و هر شغلی که باشد برکنار و تحویل زندان خواهد شد (پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت، ۱۹ شهریور ۱۳۹۲).

### انواع کنش‌های گفتاری خطبه‌ها

بررسی و تحلیل خطبه‌ها نشان داد که بیشترین کنش گفتاری با فراوانی ۲۶۲ مورد و ۷۲/۵۷ درصد در هر دو خطبه شهید مدنی مربوط به کنش‌های اظهاری است. همچنین ۲۱ کارگفت ترغیبی در خطبه اول و ۴۲ مورد در خطبه دوم مشاهده می‌شود، بنابراین کنش ترغیبی در مجموع با ۶۳ مورد، ۱۷/۴۵ درصد کنش‌های گفتاری هر دو خطبه شهید مدنی را به خود اختصاص داده است. پس از کنش ترغیبی، کنش عاطفی و اعلامی به ترتیب با ۸/۰۳ و ۱/۹۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در نهایت از آن جا که کنش تعهدی گوینده را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند، از این‌رو در خطبه‌های نماز جمعه ایشان هیچ گونه کنش تعهدی دیده نمی‌شود.

جدول ۱: فراوانی گونه‌های مختلف کنش گفتاری در خطبه‌ها

خطبه	اظهاری	ترغیبی	تعهدی	عاطفی	اعلامی	جمع
اول	۱۶۱	۲۱	۰	۱۳	۲	۱۹۷
دوم	۱۰۱	۴۲	۰	۱۶	۵	۱۶۴
جمع	۲۶۲	۶۳	۰	۲۹	۷	۳۶۱
درصد	۷۲/۵۷	۱۷/۴۵	۰	۸/۰۳	۱/۹۳	۱۰۰



نمودار ۱: فراوانی گونه‌های مختلف کنش گفتاری در خطبه‌ها

#### کنش‌های گفتاری غیرمستقیم خطبه

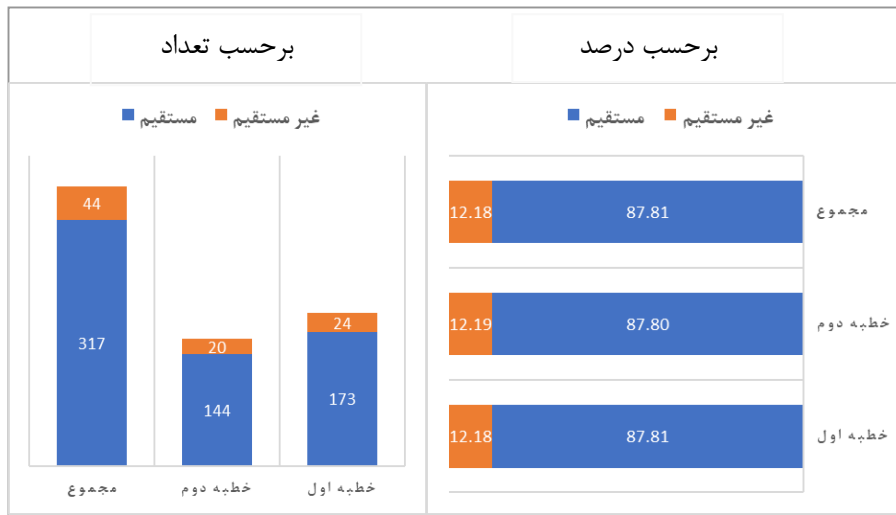
مهم‌ترین بخش تئوری کنش گفتاری مباحث مربوط به کنش‌های گفتاری غیرمستقیم است. کنش گفتاری غیرمستقیم زمانی تحقق می‌یابد که حاوی شاخصه‌های توان منظوری یک کنش گفتاری است و برای تحقق دادن به کنش منظوری دیگری استفاده می‌شود. در این حالت، گوینده جمله‌ای را بیان می‌کند که علاوه بر محتوای ظاهری، از محتوای دیگری نیز برخوردار است. به نظر جان سرل، هنگامی که از گفتارهای غیر مستقیم استفاده می‌کنیم کلام ما کاربرد تحت لفظی خود را حفظ می‌کند و منظور اصلی گوینده از طریق یک سری استدلال‌های منطقی درک می‌شود. این استدلال بر مبنای پیش‌زمینه‌های دانش زبانی و یا غیر زبانی مخاطب صورت می‌گیرند که از آن جمله می‌توانیم به دانستن آداب گفتاری اشاره کنیم (دست‌آموز، محمدی، ۲۰۱۴: ۴۳). در نتیجه کنش‌های گفتاری که مانند جملات هستند، ممکن است به‌عنوان درخواست عمل کنند و کنش‌های گفتاری که مانند اعلان‌ها هستند، ممکن است مانند یک هشدار یا تهدید عمل کنند. در کنش‌های گفتار غیر مستقیم گویندگان، کنش گفتار (کنش اولیه) را توسط کنش گفتار دیگر (کنش ثانویه) اعمال می‌کنند. هر دو کنش گفتار باید برآورد و ارزیابی شوند و تنها هنگامی می‌توان آنها را فهمید که به صورت دو جمله‌ی متقابل که یکی به دیگری وابسته است، محسوب شوند. مجدداً این کنش‌های گفتار غیر مستقیم ممکن است بسیار قراردادی و متکی بر اصول مشارکت زبانی باشند و نقشی حیاتی در ارزیابی ادب زبانی ایفا کنند. نمونه‌ی واضح، درخواستی ساده مانند «می‌شود لطفاً نمک را به من بدهید؟» خواهد بود. این درخواست بیشتر شنونده را وامی‌دارد تا نمک را به گوینده بدهد تا این که در پاسخ بگوید «بله».

از بین کنش‌های گفتاری که در خطبه نماز جمعه شهید مدنی بررسی و تحلیل شد در خطبه اول ۲۴ مورد از ۱۹۷ کنش‌های گفتاری به کنش‌های غیرمستقیم اختصاص داشت و در خطبه دوم از بین ۱۶۴ کنش

گفتاری ۲۰ مورد مربوط به کنش‌های غیر مستقیم بود و در مجموع ۴۴ مورد از ۳۶۱ مورد، یعنی ۱۲/۱۸ درصد کنش‌ها گفتاری در دسته‌ی کنش‌های غیرمستقیم قرار می‌گیرد.

جدول ۲: فراوانی کنش‌های غیرمستقیم

ردیف	تعداد	تعداد کل	درصد
خطبه اول	۲۴	۱۹۷	۱۲/۱۸
خطبه دوم	۲۰	۱۶۴	۱۲/۱۹
تعداد کل	۴۴	۳۶۱	۱۲/۱۸



نمودار ۲: فراوانی کنش‌های غیرمستقیم

۴۴ مورد کارگفت غیرمستقیم خطبه‌های شهید مدنی، خود نوعی از کنش‌های اظهاری هستند ولی به صورت غیر مستقیم یک کنش گفتاری ترغیبی هم محسوب می‌شوند. به‌طور مثال این کنش‌های گفتاری که اظهاری است اما ترغیب به نهی از انجام اموری دارند.

– «تو هم یک وقت پشت سر کسی حرف می‌زنی بزرگ می‌شود، دعوا می‌شود، خدای نکرده یک وقت می‌بینی که خون‌ها ریخته شد».

– «نگاه کن بین این‌ها عاقبت کارهایشان به کجا رسید؟».

– «یک آدمی که از روی منیت، من بگویند و زیر بار حق نرود، نتیجه‌اش این است که به ذلالت مبتلا می‌شود».



- «آخر شما که می‌گویید پدر طالقانی، آن بدبختی را که پناهنده به غرب شده (رجوی را می‌گوییم) به رهبری قبول می‌کنید».
- «شما که به دروغ می‌گویید دشمن ما آمریکاست، پس چرا با سلاح آمریکایی برادران مسلمان خودتان را می‌کشید؟».
- و یا این موارد که در ظاهر کنش گفتاری اظهاری است اما امر به کار می‌کند: موارد زیر از این دست کنش‌های غیر مستقیم هستند:
- «پس مواظب هستند گفتارشان گفتار خوب باشد».
- «انسان مسلمان متواضع می‌شود، متکبر نمی‌شود».
- «رهبر عظیم‌الشان انقلاب عظمت اسلام را حفظ می‌کنند. ایشان در میان مسلمانان متواضع است، اما نماینده آمریکا را قبول نمی‌کنند و قبلاً می‌فرمایند که اصلاً به ایران وارد نشود».
- «اگر به من خدمتگزار بگوئید بهتر از آن است که رهبر بگوئید».
- «چرا این همه سکوت؟».
- «به هر حال یک چنین مرد باعظمتی بود که تا آخرین لحظه عمرش با استعمار مخالفت کرد».
- «چرا آغوش قرآن و پیامبر(ص) را می‌گذارید و به چنین منافقی پناهنده می‌شوید؟».
- چرا به آغوش اسلام باز نمی‌گردید؟

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش، ما را به این نتیجه رهنمود می‌کند که بیشترین کنش‌های گفتاری در هر دو خطبه شهید مدنی با مجموع ۷۲/۵۷ درصد مربوط به کنش‌های اظهاری است. از آن جایی که قصد و هدف شهید مدنی در جای جای خطبه، بیان کردن، شرح و گزارش دادن ماجرای اقدامات منافقین بوده، از این رو این کنش گفتاری از بیشترین بسامد در بین کنش‌های گفتاری دیگر برخوردار است. چرا که بیان، شرح، گزارش و ادعا جزئی از کنش اظهاری می‌باشد و بنابراین کنش گفتاری اظهاری با هدف و مقصود شهید مدنی متناسب و همگون است و بدیهی می‌نماید که بیشترین بسامد را دارا باشد. همچنین در هر دو خطبه نماز جمعه شهید مدنی ۱۷/۴۵ درصد کنش‌های گفتاری، مربوط به کنش گفتارهای ترغیبی هستند. کنش‌های ترغیبی همان طور که گفته شد به آن دسته از کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می‌کند و او را در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی قرار می‌دهد؛ از این رو بیشتر کار گفتاری ترغیبی غیر مستقیم نیز با بسامد ۴۴ مورد از ۳۶۱ مورد و به تعبیری ۱۲/۱۸ درصد به این کارگفت اختصاص داشت و به نظر می‌رسد شهید مدنی سعی داشته تا با کنش‌های غیر مستقیم، منافقان را از عمل تروریستی و انفجار و قتل و کشتار مردم نهی کند. همچنین در خطبه‌های نماز جمعه ایشان هیچ‌گونه کنش تعهدی دیده نمی‌شود؛ شاید علت آن را بتوان این گونه توضیح داد که از آن جا که کنش‌های تعهدی شامل کنش‌های

گفتاری می‌شود که گوینده را نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می‌کنند و گفتارهای شهید مدنی بیشتر در جهت آگاهی‌سازی بود تا دادن وعده و وعید به مردم، در نتیجه کنش تعهدی، تقریباً هیچ جایگاهی در گفتارهای ایشان نداشته است؛ اما کنش عاطفی در خطبه‌های شهید مدنی ۸/۰۳ درصد از کنش‌های گفتاری را به خود اختصاص داده بود و این کنش‌ها، احساسات گوینده را عنوان می‌کنند و بیانگر حالات روانی وی هستند. از این رو شهید مدنی کمتر از کنش‌های احساسی استفاده کرده و بیشتر سعی در آگاهی‌سازی مردم از طریق استدلال و بیان دارد. در نهایت کنش اعلامی در خطبه‌های شهید مدنی ۱/۹۳ درصد از کنش‌های گفتاری را شامل می‌شد.

با توجه به درصد بالای کنش‌های اظهاری در خطبه‌های نماز جمعه شهید مدنی می‌توان نتیجه گرفت که علت ترور ایشان ترس سازمان مجاهدین از خطبه‌های روشنگر و آگاهی‌بخش ایشان بوده است.

## References

- Abrahamian, Yarvand (2020). *Iran between the two revolutions*, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Aghagolzadeh, Ferdows (1996). *Critical Discourse Analysis*, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Ahmed Nahle, Mahmoud (2002). *New Horizons in Contemporary Linguistic Research*, Egypt: Dar Al-Marefa University. (In Persian)
- Archive of the Islamic Revolutionary Documentation Center, *Biography of Ayatollah Madani*, Code 3314. (In Persian)
- Austin, J.L (1970). *How to Do Things with Words? The William James Lectures*. Delivered at Harvard University, Harvard University Press.
- Austin. John langshaw. (1962). *How to do things with words*. London: Oxford university press.
- Davoodabadi Farahani (2015). “Mehdi, Analysis of Fadkiyeh Sermon Based on Theory of Speech Action”, *Journal of Islamic History* - No. 66. (In Persian)
- Fawzi, Yahya (2005). *Socio-political developments after the Islamic Revolution in Iran*, Vol. 1, Tehran: Ascension. (In Persian)
- Haeri, Ali (2007). *Solar Calendar*, Qom: Office of Wisdom. (In Persian)
- Handbook, Saeedeh; Mohammadi, Mohammad Reza (2015). “Investigating the Impact of Indirect Speech Actions with a Question Structure on the Conversation Process from the Perspective of the Russian Language”, *Bimonthly of Linguistic Essays*, Volume 7, Issue 1: 39-57. (In Persian)
- Hozeh Information Database, *Gulberg Magazine*, No. 90, September 2007. (In Persian)
- Imam Khomeini (2000). *Sahifa Imam*, vols. 10 and 15, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (In Persian)

- Islamic Republic News Agency, Ayatollah Madani; Mujahid and Mubarazi Nastooh, 10/09/2020. (In Persian)
- Joel, George (2008). *Practicality of language*, translated by Mohammad Amouzadeh and Manouchehr Tavangar, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books. (In Persian)
- Lotfipour, Kazem (1372). "An Introduction to Speech Mining", *Journal of Linguistics*, Spring and Summer, pp. 9-40. (In Persian)
- Mansoori, Javad (2011). *Introduction to the Islamic Revolution of Iran*, Qom: Maaref Publishing Office. (In Persian)
- Mesbah, Mohammad Taqi (2012). *Aftab Motahar*, Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)
- Najafi Ayouki, Ali; Rasoulnia, Amir Hossein; Kaveh Noshabadi, Alireza (2015). "Textual analysis of Shaqqaqiyah sermon based on "Searle" theory of speech action from", *Nahj al-Balagheh Research Quarterly*, Volume 5, Number 19, Autumn, 1-17. (In Persian)
- Nazarpour, Mehdi (2003). *Flow Studies*, Tehran: IRGC Islamic Research Institute. (In Persian)
- Pasdar-e-Islam, September 2003, No. 261. (In Persian)
- Paya, Ali (2004). *Analytical philosophy; Issues and Perspectives*, Tehran: New Plan. (In Persian)
- Qurashi Syed Ali Akbar, (1992). *Quran Dictionary*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
- Razavi, Massoud (2018). *Hashemi and the Revolution: The Political History of Iran from the Revolution to the War*, Tehran: Information. (In Persian)
- Rouhani, Seyed Hamid (1993). *Imam Khomeini Movement*, Volume 3, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)
- Safavid, Cyrus (2008). *An Introduction to Semantics*, Tehran: Surah Mehr. (In Persian)
- Sasani, Farhad (2010). *Meaning: Towards Social Semiotics*, Tehran: Science. (In Persian)
- Searle, John Rogers (2001). *New Attitudes in Philosophy: Analytical Philosophy*, translated by Mohammad Saeedi Mehr. Qom: Taha Cultural Institute, Qom University. (In Persian)
- Searle, John Rogers (2006). *Verbal verbs; Research in the philosophy of language*, translated by Mohammad Ali Abdollahi, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Sterol, Oram (2013). *Analytical Philosophy in the Twentieth Century*, translated by Fereydoun Fatemi, Tehran: Center. (In Persian)
- Talebi, Ensieh; Talebzadeh Shoushtari, Abbas; Heidarian Shahri, Ahmad Reza (2017). "A study of Imam Ali (AS) war sermons based on the theory of speech action", *Journal of Arabic Language and Literature*, Spring and Summer, No. 16: 161-202. (In Persian)
- Yar Mohammadi, Lotfollah (2006). *Common Critical Discourse*, Tehran: Samat. (In Persian)